



The Reading Crisis in Iran (During the 1960s and 1970s): A Critical Discourse Analysis

Siamak Mahboub (Corresponding Author)

PhD Student in KIS, Kharazmi University, Tehran, Iran
siamak.mahboub@gmail.com

Yazdan Mansourian

Associate Prof., Department of KIS, Kharazmi University, Tehran, Iran
y.mansourian@gmail.com

Nematollah Fazeli

Associate Prof., Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran
nfazeli@hotmail.com

Abstract

Purpose: Reading is one of the challenging problems in contemporary Iran. After the Persian Constitutional Revolution (1905-1911), reading becomes one of the factors that Iranians considered it necessary for modernization and development. For this reason, most people, even who were literate, had no desire to read. This situation was unpleasant for intellectuals, publishers and cultural activists, and therefore they published essays and articles about this issue. These publications grew significantly during the 1960-1970s. As we can see in these documents, the main idea was that Iran society has encountered by a "Reading Crisis". This study aims to describe this idea under the Reading Crisis discourse. Moreover, it seeks to show how the articulation of this discourse was affected by discursive practices and social practices.

Method: The methodology used in the present research is the Fairclough's critical discourse analysis (CDA). Based on this method, First, the articles about reading which were published from 1905 to 1978 were searched and categorized into discourses and then those documents were chosen that were tagged as "reading crisis discourse" (45 texts). These documents were then coded during the next two stages: first, each fragment of the texts was tagged by one or more elements of Fairclough's CDA model (433 fragments); then, similar text fragments were categorized and tagged. The coding process continued until sufficient data to describe all the selected discursive components were collected, and the present researchers were able to find a logical relationship between the data.

Findings: The findings indicate that publishers are the main speakers of this discourse. As for-profit institutions, they seek more profit, but in order to gain legitimacy, they use cultural language and try to show Iranian society has a big problem and people do not read enough. They call this a crisis and claim that government must intervene and facilitate buying books by subsidies. They say that government must pay subsidies to publishers as a way to reduce book price. On the other hand, government seek a way to eliminate the voice of the protesters or voices that did not match the main discourse and central power and thus to censor books. As a result, government grants privileges to publishers, provided that they publish good books. During the time, most publishers became the collaborators of government in censorship in order to safeguard their interests. In this discourse, the reader is for the most part represented as the buyer, and reading is roughly equivalent to buying. Book, as the main media of discourse, is divided into two groups: bad books and good books: good books are ones supporting the government's idea of development and modernization. Censorship mechanism is the gatekeeper of bad books; and public libraries, "Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults" and "Children's Book Council" are promoters of good books.

Originality/value: The book crisis discourse in Iran is still alive and powerful. By knowing the origins and mechanism of this discourse, reading promoters and other social actors avoid mistakes that may damage their valuable efforts

Keywords: Reading, Critical discourse analysis (CDA), Book crisis, Per capita book reading, Pahlavi dynasty, Iran

Citation: Mahboub, S., Mansourian, Y., & Fazeli, N. (2020). The Reading Crisis in Iran (During the 1960s and 1970s): A Critical Discourse Analysis. *Research on Information Science & Public Libraries*, 26(3), 439-465.

Research on Information Science and Public Libraries, 2020, Vol.26, No.3, pp. 439-465

Received: 13th April 2020; Accepted: 8th July 2020

© Iran Public Libraries Foundation



واکاوی بحران مطالعه در ایران با تکیه بر چهارچوب تحلیل انتقادی گفتمان

سیامک محبوب (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
Siamak.mahboub@gmail.com

یزدان منصوریان

دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
y.mansourian@gmail.com

نعمت‌الله فاضلی

دانشیار، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
nfazeli@hotmail.com

چکیده

هدف: این پژوهش قصد دارد نشان دهد متون مختلف چگونه در قالب گفتمان «بحران مطالعه» در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره خواندن ایجاد کرده و توزیع نیروها پیرامون آن را سامان داده‌اند.

روش: روش این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است. متون مرتبط با خواندن از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی گردآوری شد (۴۲۵ متن). در مرحله نخست، هر متن پس از تمام‌خوانی، در یک یا چند گفتمان کدگذاری شد. از میان آن‌ها متنی ذیل کد «گفتمان بحران مطالعه»، جدا شده و طی دو مرحله بعد کدگذاری شدند. در مرحله دوم، بر اساس چهارچوب تحلیل گفتمان فرکلاف، هر پاره‌متن در یک یا چند عنصر گفتمانی (محور) قرار گرفت (۴۳۳ پاره‌متن). در مرحله سوم، مفاهیم مشابهی که در یک محور گنجانده شده بودند، دسته‌بندی و نام‌گذاری شدند. کدگذاری تا جایی پیش رفت که برای توصیف تمام مؤلفه‌های گفتمانی منتخب، داده کافی گردآوری شد و پژوهشگر توانست به رابطه‌ای منطقی میان داده‌ها دست پیدا کند.

یافته‌ها: گفتمان بحران مطالعه از مشروطه آغاز می‌شود و در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی به اوج می‌رسد. سخن‌گویان اصلی آن ناشران هستند و با تکیه بر آمار میزان نشر و میزان مطالعه، وضعیت خواندن را بحرانی نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند بازار کتاب را رونق بخشند. در این گفتمان، خواننده بیش از هر چیز با صفت خریدار بازنمایی می‌شود و عمل خواندن و خریدن هم‌سان تلقی می‌شود. کتاب در معنای خواندنی‌های علمی معطوف به عمل، خواندنی‌های تاریخی و ادبیات کلاسیک به کار می‌رود. این گفتمان دو نوع نهاد را توجیه می‌کند: نهادهای سلبی، برای کنترل ورود کتاب بد به بازار و نهادهای ایجابی، مسئول پشتیبانی از تولید کتاب‌های خوب در بازار. سامان گفتمان به‌گونه‌ای است که هم سود ناشران تضمین شود و هم از الگوی توسعه پهلوی حمایت شود. این گفتمان محل تفاهم دولت و ناشران است و هر چیز که برهم‌زننده این تفاهم باشد نوعی اختلال در نظم تلقی می‌شود که با عناوین مختلف و با تکیه بر مکانیسم‌های مختلف طرد می‌شود.

اصالت/ارزش: این پژوهش با بررسی نحوه سخن گفتن درباره خواندن، نحوه سامان دادن نیروهای مختلف پیرامون آن را نشان می‌دهد و از این منظر می‌تواند در سیاست‌گذاری خواندن و فعالیت‌های ترویجی مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: خواندن، تحلیل انتقادی گفتمان، سرانه مطالعه، پهلوی، کتاب‌خوانی.

استناد: محبوب، سیامک؛ منصوریان، یزدان و فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). ا. واکاوی بحران مطالعه در ایران با تکیه بر چهارچوب تحلیل انتقادی گفتمان. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. ۲۶(۳)، ۴۲۹-۴۶۵.

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. دوره ۲۶، شماره ۳، صص ۴۲۹-۴۶۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

© نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

مقدمه

جامعه مدرن مردمانی خوانا و نویسا می‌خواهد. آن‌ها هم باید بتوانند بخوانند و بنویسند تا در دنیای مدرن بتوانند زندگی کنند و هم باید امکان خوانده شدن و نوشته شدن توسط دولت‌های مدرن را داشته باشند. دولت مدرن مردمانش را مشاهده می‌کند، می‌خواند، پیش‌بینی می‌کند و برایشان برنامه‌ریزی می‌کند گویی که می‌نویسدشان. ما نیز به هر روی گام در دنیای مدرن نهادیم و شاید هم به میدانش پرتاب شده‌ایم. برخی از الزامات آن را پذیرفته‌ایم و برخی را تغییر داده‌ایم و برخی را کنار گذاشته‌ایم. همین باعث شده است که در وضعیتی تکین قرار بگیریم، چنانکه هر اجتماع دیگری نیز در وضعیت تکینی است. یکی از ویژگی‌های این تکینگی آن است که برخلاف دیگر ساکنان عرصه مدرن، آن‌طور که شایسته است خوانا و نویسا نشده‌ایم.

پرسش و مسئله این پژوهش نیز از همین تفاوت آغاز می‌شود. ما چگونه دربارهٔ هریک از پدیده‌های یادشده فکر می‌کنیم و سخن می‌گوییم، این اندیشیدن و سخن گفتن چگونه یک دانشگاه ایرانی، مجلس ایرانی، شهر ایرانی و ... را برمی‌سازد. یا به عبارتی دیگر، بر ساخته‌های ما متکی بر چه انگاره‌های بنیادی هستند. از منظر این پژوهش، تفاوت این انگاره‌های بنیادی بر سازندهٔ معنا، تفاوت میان جهان‌های مختلف را ایجاد می‌کند.

خرده‌جهانی که این پژوهش به آن می‌پردازد و قصد دارد آن را مورد پرسش قرار دهد، «خواندن» است. پیرامون عمل خواندن، مجموعه‌ای از کردارهای اجتماعی^۱ شکل گرفته است. این کردارهای هدایت‌کننده/هدایت‌شونده با مجموعه‌ای از فرایندهای تولید، ارائه، اشاعه و ترویج خواندن و همچنین نهادهای اجتماعی‌ای در ارتباط است که خواندنی و خواننده را موضوع خود می‌کنند و تلاش دارند به نفع خود هویت بخشند. به عبارتی، گفتمان‌های خواندن و کردارهای گفتمانی^۲ و کردارهای اجتماعی این گفتمان‌ها که نظم گفتمانی موجود را شکل می‌دهند، محل پرسش این پژوهش است.

همچنین این پژوهش موضعی انتقادی دارد. در این معنا تلاش می‌کند نشان دهد وضعیت هژمونیک در حوزهٔ خواندن چگونه است. نظم گفتمانی موجود، روابط فرادست/فرو دست را

1. social practice

2. discursive practice

چگونه سامان‌دهی می‌کنند و چه گروه‌های اجتماعی در پیوند با این هژمونی از موضع قدرتمندتری برخوردار می‌شوند.

با وقوع انقلاب مشروطه در ایران، مطالبه ایرانیان برای ساخت دنیای جدید جدی‌تر شد. هر کس به‌زعم خود تفسیری از دنیای جدید ارائه می‌کرد. یکی از این تصورات این بود که برای ساختن دنیای جدید «مردم باید کتاب بخوانند». عدم گرایش مردم به کتاب واضح بود، و از این رو از همان ایام شکوه از کتاب‌خوانی مردم آغاز می‌شود و گروه‌های اجتماعی مختلف در این باره نوشته‌هایی منتشر می‌کنند. به‌عنوان مثال، ناشری در سال ۱۳۰۹ با شکایت از این امر چنین می‌گوید: «هر کس به‌خوبی می‌داند که نبودن کتاب چه لطمه بزرگی به معارف مملکت ما زده و چه اندازه باعث سرشکستگی ما نزد دیگران و ضرر افراد مملکت گردیده است» (قاسمی، ۱۳۸۰). به‌مرور زمان، این شکایت‌ها و توصیه‌های توأم با تحکم، مجموعه‌ای از انتشارات را رقم می‌زنند که اوج آن‌ها در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی رخ می‌دهد و این مقاله از آن‌ها به‌عنوان «گفتمان بحران مطالعه» یاد می‌کند: گفتمانی که تا به امروز نیز به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی خواندن به حیات خود ادامه داده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا صورت‌بندی این گفتمان را واکاوی کرده و ابعاد را مشخص کند. پرسش‌های پژوهش بر مبنای این هدف طراحی شده‌اند.

پرسش‌های پژوهش

۱. گفتمان «بحران مطالعه» چگونه مفصل‌بندی می‌شود؟

۱-۱. این گفتمان چه بن‌انگاره‌هایی را و چگونه به خدمت می‌گیرند؟

۲-۱. دال‌های استفاده‌شده در این گفتمان کدام‌اند و چگونه به کار گرفته می‌شوند؟

۳-۱. این گفتمان از چه استعاره‌ها و نظام‌های طبقه‌بندی بهره می‌گیرد؟

۴-۱. در این گفتمان، خواننده، خواندنی و عمل خواندن چگونه بازنمایی می‌شود؟

۵-۱. این گفتمان به شکل‌گیری و تقویت چه نهادهایی منجر شده‌اند؟

۶-۱. مکانیسم‌های کنترلی این گفتمان کدام‌اند؟

۲. پرکتیس‌های اجتماعی منجر به این گفتمان کدام‌اند؟

پرسش‌ها بر مبنای الگوی تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف^۱ طراحی شده است. پرسش اول و زیر پرسش‌های آن، لایه اول این الگو را مکشوف می‌کنند و پرسش دوم لایه دوم این مدل را. توضیح بیشتر درباره این الگو و تعاریف هریک از مفاهیم در بخش روایت پژوهش (روش پژوهش) شرح داده شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با موضوع گفتمان خواندن در زبان‌های مختلف بسیارند. در این بخش، به آن دسته از پژوهش‌ها اشاره می‌شود که به گفتمان خواندن و پرکتیس‌های مرتبط با آن‌ها پرداخته‌اند.

کیت فلینت^۲ (۱۹۹۳)، پژوهشگر انگلیسی، در کتاب خود، *زن خواننده از ۱۸۳۷-۱۹۱۴*^۳، درباره زنان کتاب‌خوان قرن نوزدهم، پرکتیس‌های خواندن و گفتمان آن سخن می‌گوید. در آن زمان، خواندن عملی گناه‌آمیز و خطرناک تلقی می‌شد و می‌توانست زنان را به فساد و تباهی بکشاند. او با آوردن مثال‌های متعدد از متون قرن نوزدهم این امر را نشان می‌دهد. در این متون، خواندن برای زنان خطرناک شمرده می‌شود و این خطرناک بودن به حفظ معصومیت زنان و دختران جوان گره می‌خورد. اما آنچه مسکوت می‌ماند این بود که خواندن رمان‌ها و اشعار، که بسیاری فارغ از مسائل جنسی بودند، سبب آشوب‌هایی می‌شوند که لزوماً زاده وضعیتی است که در آن زنان به سوژه‌ها و عاملان فعال و صاحب‌فکری بدل می‌شوند که می‌توانند انتخاب کنند که همسر یا مادر باشند یا نباشند. فلینت نشان می‌دهد که با وجود ممنوعیت‌ها، دختران جوان و زنان حتی زنان مسن چگونه با خواندن آثار ممنوعه دچار تحولاتی شده‌اند که در خاطرات و نامه‌هایشان به آن‌ها اشاره کرده‌اند (فلینت، ۲۰۰۲).

آلن ریچاردسون^۴ (۱۹۹۴)، پژوهشگر انگلیسی، در کتابی با عنوان *ادبیات، آموزش و رمانتیسزم: خواندن به مثابه پرکتیس اجتماعی ۱۷۸۰ تا ۱۸۳۲* با بررسی اسناد به‌جامانده از اواخر قرن ۱۸ و ۱۹ با هدف بررسی تاریخ آموزش تلاش می‌کند پرکتیس‌های خواندن آن دوران را واکاوی کند. او تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه خواندن تخیلی^۵ در اواخر قرن هجدهم و

1. Fairclough
3. the Woman Reader 1837-1914

2. Kate Flint (1954- now)- Professor of Art History
4. Alan Richardson 5. imaginative reading

اوایل قرن نوزدهم با تغییر در تعریف و موقعیت ادبیات، نقشی محوری در فرهنگ انگلیسی پیدا می‌کند و از این طریق روش‌های آموزشی، نهادهای آموزشی و ایدئولوژی‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او نشان می‌دهد که باور عمومی دربارهٔ کودکی، مدرسه رفتن و عادت‌های خواندن بنیان‌های مدرن خود را بر اساس پرکتیس‌های عصر رمانتیک شکل داده‌اند. او تلاش می‌کند برخی از پیش‌فرض‌های ناآشکار تفکر آموزشی امروز و ایده‌هایی نظیر آموزش ملی و آموزش زنان را که ریشه در آن دوران دارد هویدا کند. وی همچنین در این کتاب با رویکردی انتقادی نشان می‌دهد که چگونه با دست‌مایه قرار دادن صفت‌های «وحشی» و «دهاتی» برای کودک و کارگر، صنعت ادبیات کودکان و ادبیات عامه‌پسند بر اساس ویژگی‌های گفتمانی و اجتماعی آن دوران برای این دو گروه پا گرفته است؛ چنان‌که سیاست استعماری آن دوران نیز با همین بن‌مایه‌ها راهبری می‌شد. علاوه بر این، دوگانه «تخیل» و «استدلال» که در نوشته‌های بسیاری از آثار خواندنی رمانتیک‌ها به‌ویژه ادبیات کودک به چشم می‌خورد و اساسی می‌شود تا نشان داده شود این پیش‌فرض‌ها چگونه و با چه معنایی در این متون استقرار پیدا کرده‌اند.

جیمز پاول گی^۱ (۲۰۰۰)، پژوهشگر آمریکایی، در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان و مطالعات اجتماعی-فرهنگی خواندن»^۲ در نگاهی ترکیبی به زبان، سواد و ذهن انسان، ماهیت خواندن را هم از منظر شناختی و هم از منظر اجتماعی-فرهنگی واکاوی می‌کند. این مقاله نشان می‌دهد که معنا چگونه بافت اجتماعی را در خواندن قرار می‌دهد و اینکه جهان و متون چگونه برای خوانندگان از طریق تجربه‌های اجتماعی‌شان معنا می‌شود. همچنین، نشان می‌دهد که افراد چگونه با اشکال مختلف خواندن، معنایی متفاوت به متن می‌دهند.

باربارا سیکرمن^۳ (۲۰۰۷)، پژوهشگر آمریکایی، در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی‌ها و پرکتیس‌های خواندن» با بررسی اسناد به‌جامانده از قرن نوزدهم آمریکا چهار نوع گفتمان رسمی و یک گفتمان غیررسمی با محوریت خواندن معرفی می‌کند: (۱) خواندن تبه‌سیری^۴ (انجیلی)؛ (۲) خواندن مدنی^۵؛ (۳) خواندن برای اصلاح خود^۶؛ (۴) خواندن فرهنگی یا جهان‌شهری^۷؛ و (۵) خواندن برای آرامش و لذت.

1. James Paul Gee
3. Barbara Sicherman
6. self-improving

2. Discourse and Sociocultural Studies in Reading
4. evangelical
5. civic
7. cosmopolitan

میلیس^۱ (۱۹۹۵)، پژوهشگر آمریکایی، در پژوهشی تجربی دربارهٔ دو گروه نشان می‌دهد که چگونه پیش‌فرض‌های گفتمانی در خواندن و بازنمایی ذهنی متن ادبی اثر می‌گذارد. پژوهشگر از مشارکت کنندگان خواست تا متنی را چند بار بخوانند. مشارکت کنندگان در پژوهش در اولین خوانش، آنجا که به جمله‌هایی می‌رسیدند که در تعارض با چشم‌اندازهای گفتمانی بود، سرعت خواندن کمتری نسبت به قسمت‌های دیگر متن داشتند.

گروه پژوهشی «ماورای کتاب»^۲ متشکل از پژوهشگرانی از انگلستان، آمریکا و کانادا درصدد برآمدند که معنای خواندن را در جامعهٔ معاصر این سه کشور بررسی کنند. به این منظور، خواندن در میان توده‌های مردم را موضوع خود قرار داده و پرکتیس‌های خواندن را بررسی کردند. هدف از بررسی تودهٔ خوانندگان، بررسی خواندن به‌مثابهٔ پرکتیس اجتماعی بود نه یک عمل فردی در قالب پرکتیس هرمنوتیک یا تفسیری. این رهیافت معرفت‌شناختی به موضوع خواندن باعث شد آن‌ها بتوانند به معنای خواندن در ماتریس ارتباطی معاصر پردازند (فولر^۳، ۲۰۰۸).

دو پژوهشگر مالایی (مجدوب و آبو^۴، ۲۰۱۰) پژوهشی را در میان کودکان پیش‌دبستانی انجام داده‌اند و تلاش کرده‌اند پرکتیس‌های خواندن و استفاده از کتاب را در میان گروه هم‌سالان نشان دهند. با بررسی تعاملات و گفت‌وگوهایی که میان کودکان ردوبدل شده است، آن‌ها متوجه شدند که کتاب و محتوای آن ابزاری برای ارتباط میان کودکان، به چالش کشیدن یکدیگر و تخیل است. کودکان کتاب را به کار می‌گیرند تا تعامل اجتماعی برقرار کند و با دوستانشان «صمیمیت بی‌صدا»^۵ ایجاد کنند. یافتهٔ دیگر آن‌ها نشان می‌دهد که خواندن فعالیتی است که «تفریح»^۶ و «محبت»^۷ اصلی‌ترین ابعاد آن را تشکیل می‌دهند.

کیلی^۸ (۲۰۱۲)، پژوهشگر فنلاندی، در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «خواندن برخط به‌مثابهٔ پرکتیس اجتماعی و فردی»، به بررسی پرکتیس‌های خواندن در میان دانش‌آموزان راهنمایی هنگام استفاده از اینترنت برای حل تکالیف کلاسی پرداخت. یکی از اهداف این پژوهش روشن ساختن این موضوع است که چگونه برساخت معنا و دانش در میان دانش‌آموزان را هنگام خواندن در متون اینترنتی آشکار کند. یکی از یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ربط اطلاعات بیش از اعتبار اطلاعات برای دانش‌آموزان اهمیت دارد. به‌علاوه، خواندن مشارکتی برخط، فراتر از گردآوری محض داده‌ها است و پردازش محتوا اتفاق اصلی در این رخداد است.

1. Millis
5. quiet intimacy

2. Beyond the Book
6. fun

3. Fuller
7. love

4. Majzub & Abu
8. Kiili

دسته‌ای از پژوهش‌های مربوط به گفتمان و پرکتیس خواندن مربوط به خواندن یک یا چند اثر خاص در دوره‌های خاص می‌شود. این پژوهش‌ها تلاش می‌کنند نشان دهند چگونه خواندن به‌مثابه پرکتیس اجتماعی متأثر از زمان خود است. برای نمونه، سوروینو-اینوود^۱ (۱۹۸۹)، پژوهشگر مذاهب یونان باستان، در پژوهشی درباره خواندن آنتیگونه اثر سوفکلس نشان می‌دهد که چگونه پیش‌فرض‌های ما به‌عنوان انسان‌هایی در دوران مدرن، و نیز شیوه خواندن تنگاتنگ ما که متفاوت از نحوه خواندن در آن دوران است، باعث می‌شود مفاهیمی بسیار متفاوت از یک یونانی باستان‌نشین از متن دریافت کنیم.

احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «ادبیات ستیزنده» با رویکردی گفتمانی تلاش می‌کند با تحلیل پنج رمان برگزیده که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی منتشر شده‌اند گفتمان داستان سیاسی در ایران و شیوه خوانده شدن ادبیات سیاسی و نحوه برآمدن آن گفتمان را نشان دهد. او نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی مختلف از جمله سیاست‌های نوسازی دولت چگونه منجر به شکل‌گیری ادبیات سیاسی در ایران شده است. او مهم‌ترین عامل را شکل‌گیری طبقه متوسط و افزایش تقاضا برای کتاب می‌داند که در نهایت در پاورقی خوانی و سپس در خواندن داستان سیاسی نمود پیدا می‌کند.

روایت پژوهش (روش پژوهش)

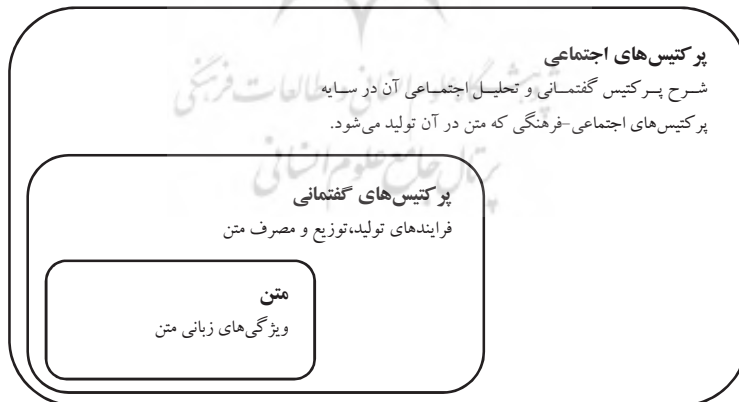
چهارچوب روشی این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است. انتخاب این چهارچوب از یک سو به این دلیل است که پژوهشگر از ابتدا تمایل به موضع انتقادی داشت. از سوی دیگر، این رویکرد در نسبت با سایر روش‌ها قابلیت عملیاتی‌سازی بیشتری داشت. این نوع تحلیل گفتمان درصدد است از طریق کشف ایدئولوژی‌های پنهان در متن، با یک الگوی سه‌لایه‌ای یعنی متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی، ابتدا به فهم ویژگی‌های زبانی متن بپردازد و تحلیل کند متن، حاوی چه ویژگی‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی است. سپس، نظم‌های گفتمانی مندرج در متن را کشف کند و پس از آن، کردارهای اجتماعی را با استفاده از این نظم‌های گفتمانی کشف شده و سایر نظریه‌های اجتماعی تبیین کند (شقاقی و فدائی، ۱۳۹۲، ص. ۲۱). در شکل زیر، رابطه این سه لایه و هدف هر یک نشان داده شده است. در این پژوهش، تمرکز اصلی بر دو لایه میانی یعنی ویژگی‌های متن و پرکتیس‌های گفتمانی است. اصطلاحات کلیدی به کاررفته در این پژوهش به شرح زیر است:

1. Sourvinou-Inwood (1945-2007)

گفتمان: اصطلاح گفتمان اشاره به دیدگاه خاصی به زبان و کاربرد آن دارد. گفتمان عنصری از حیات اجتماعی است که با دیگر عناصر آن در هم تنیده است (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص. ۴-۳). گفتمان طریقی معین برای بازنمایی بخشی از جهان (مادی، اجتماعی، روانی و ...) است. معمولاً گفتمان‌های جایگزین یا تکمیل‌کننده وجود دارند که توسط گروه‌های دیگری از مردم در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت استفاده می‌شوند. گفتمان‌ها برحسب اینکه چگونه رخداد اجتماعی را بازنمایی می‌کنند، چگونه چیزی را استثنا می‌کنند یا می‌پذیرند، چگونه رخدادها انتزاعی و انضمامی را بازنمایی می‌کنند، و چگونه کششگران اجتماعی و زمان و مکان رخدادها را بازنمایی می‌کنند متفاوت هستند (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص. ۱۷).

بن‌انگاره^۱: بن‌انگاره‌ها یا پیش‌فرض‌ها آن دسته از حقایق بدیهی انگاشته‌شده‌ای هستند که در متن ناگفته مانده‌اند ولی وجود ضمنی دارند (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص. ۵۵).

دال: دال اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند مدلول نامیده می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰، ص. ۹۹). دال مرکزی نشانه متمتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند؛ سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با دال اخذ می‌کنند.



شکل ۱. الگوی تحلیل گفتمان انتقادی سه‌بُعدی فرکلاف (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹)

1. postulate

گرداز: روش‌ها، رویه‌ها، عرف‌ها، قواعد و شیوه‌های عمل، شیوه‌های سامان‌دهی و به‌کارگیری فضا و ابزارها در یک زمینه خاص که مورد پذیرش همگانی است. کردارها از یک سو رفتارها و کنش‌ها را سامان می‌دهند و از دیگر سو موجب تمایز آن زمینه از دیگر زمینه‌ها می‌شود. در برخی متون به کردار یا آداب ترجمه می‌شود.

برای انجام این پژوهش، دو کتاب به‌عنوان منبع شناسایی متون مبنا قرار گرفتند:

- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۹۵). *اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات ۱۲۸۵-۱۳۰۴ شمسی*. تهران: خانه کتاب.
- مرکز خدمات کتابداری (۱۳۶۱). *مقاله‌نامه کتاب، کتابخانه و کتابداری*: شامل مشخصات مقاله‌هایی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۸.

به‌علاوه، کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی از جمله کتابخانه ملی، نورمگز و ... جست‌وجو شد.^۱ آرشیو روزنامه اطلاعات نیز به‌طور ویژه به‌عنوان یکی از روزنامه‌های پرمخاطب جست‌وجو شد. در نهایت، فهرستی از اسناد مرتبط مهیا و متن کامل منابع تهیه شد. (۴۲۵ متن) برای کدگذاری راحت‌تر در نرم‌افزار MAXQDA 2018، تمام مستندات در قالب فایل word تایپ شد و به نرم‌افزار سپرده شد. هر سند با یک شناسه شش‌رقمی که نشان‌دهنده تاریخ انتشار سند است نام‌گذاری شد. در صورتی که تاریخ انتشار دو سند دقیقاً یکسان بود، دو رقم برای تمایز دو سند به کد سند افزوده شد.

در دور اول، همه منابع تمام‌خوانی شدند و هر سند حداقل یک و حداکثر سه کد دریافت کرد. بعد از اتمام این مرحله هر کد، یک گفتمان نام‌گذاری شد. سپس، اسنادی که زیر گفتمان «بحران مطالعه» کدگذاری شده بودند، جدا شدند (۴۵ متن). در مرحله دوم کدگذاری، مفاهیم هر سند مطابق با چهارچوب طراحی شده (شکل ۲) در یک یا چند عنصر گفتمانی قرار گرفت (۴۳۳ پاره‌متن). در سومین مرحله از کدگذاری مفاهیم مشابه گنجانده شده در هر عنصر گفتمانی دسته‌بندی و نام‌گذاری شدند. کدگذاری تا جایی پیش رفت که برای توصیف تمام مؤلفه‌های گفتمانی منتخب، داده کافی گردآوری شد و پژوهشگر توانست به رابطه‌ای منطقی میان داده‌ها دست پیدا کند.

۱. نمونه کلیدواژه‌های جست‌وجوشده عبارت‌اند از: خواندن، مطالعه، کتاب‌خوانی، قرائت، کتابخانه، کتاب، خواننده، روزنامه‌خوانی، داستان‌خوانی، تندخوانی، بلندخوانی، صامت‌خوانی، شعرخوانی



شکل ۲. چهارچوب کدگذاری متون در مرحله دوم

یافته‌ها: توصیف گفتمان بحران مطالعه

برای توصیف گفتمان لازم است اجزای گفتمان و نحوه مفصل‌بندی این اجزا مشخص شود. (پرسش‌های ۱-۱ تا ۱-۶)

بن‌انگاره: این گفتمان بر این بن‌انگاره استوار است که «همه مردم باید کتاب بخوانند». با این حال، عواملی دست‌به‌دست هم داده‌اند و «کتاب در ایران گرفتار بحران شده است.» (سند ۱۳۴۹۰۹۰۳). از این رو، تلاش می‌کند با بیان این عوامل هم بحران را نشان دهد و هم مسبب آن را بشناساند و احياناً راه‌حل‌هایی برای خروج از این وضعیت پیشنهاد دهد. گاهی «همه مردم» به گروه‌های کوچک‌تر که عموماً امکان خواندن را دارند تعدیل می‌شود: «همه افراد باسواد» یا «همه دانش‌آموزان و دانشجویان». با این حال، در نگاه این گفتمان، خواندن باید نوعی عمل فراگیر در سطح وسیعی از جمعیت باشد. بر این اساس، چون این فراگیر بودن رخ نمی‌دهد، یا حتی بالعکس، جمعیت بسیار کمی به خواندن روی می‌آورند تعبیر «بحران مطالعه» به کار می‌رود. به علاوه، در این گفتمان، این بن‌انگاره نیز پذیرفته شده است که «رونق بازار نشر به

روتن خواندن در میان مردم می‌انجامد» و همین بن‌انگاره است که اغلب توصیه‌های این گفتمان را سامان می‌دهد (و در بخش توصیه‌ها و دستورها به تفصیل به آن می‌پردازیم). فرایند استدلالی که در این گفتمان طی می‌شود به این گونه است که این گفتمان بدون پرداختن به جزئیات زیاد، به‌طور عام دربارهٔ وضعیت مطالعه مردم صحبت می‌کند و تلاش می‌کند ضمن تشریح وضعیت با توسل به آمار میزان مطالعه و آمار نشر نشان دهد بحران کتاب در کشور به وقوع پیوسته است و از رهگذر این فرایند استدلالی توصیه‌هایی مبنی بر گذر از این بحران ارائه کند.

دال‌ها: این گفتمان پیرامون دال مرکزی «بحران کتاب» سامان می‌گیرد و بقیهٔ دال‌ها پیرامون این دال چیده می‌شوند که در تمام توصیفات و استدلال‌ها با اتکا به آن‌ها پیش می‌رود. بر اساس کدگذاری و گروه‌بندی دال‌ها، علاوه بر دال مرکزی یادشده، ۱۳ دال دیگر اساس این گفتمان را شکل می‌دهند که عبارت‌اند از: «قیمت کتاب»، «تیراژ»، «بازار کتاب»، «آمار»، «عدم استقبال از کتاب»، «عادت به مطالعه»، «مقایسه با دیگر کشورها»، «میزان مطالعه»، «قیمت کاغذ»، «تشویق مؤلفان و ناشران»، «کتاب خوب»، «توزیع کتاب»، «معیشت مردم»، «ممیزی کتاب».

«تیراژ» کتاب و «میزان مطالعه»ی مردم دو دالی هستند که عمدتاً بحث‌ها با اتکا به آن‌ها آغاز می‌شود. اغلب نشانه‌ها مبنی بر این است که تیراژ کتاب پایین است و مطالعهٔ مردم کم است. برای اثبات این دو گزاره، گاه به آمار نشر و میزان مطالعه تکیه می‌شود و گاه به مقایسه‌های آمار جمعیت و آمار نشر. علاوه بر این، مقایسه با کشورهای دیگر نیز مبنایی برای فرایندهای استدلالی در این گفتمان به دست می‌دهد.

در بحث پیرامون کشف عوامل، به دلیل تکیهٔ عمدهٔ این گفتمان به «بازار کتاب»، دو گانه‌ای حول قیمت کتاب شکل می‌گیرد. این دو گانه یکی از محل‌های جدال گفتمانی برای تثبیت خود است. گروهی باور دارند کتاب گران است. گروهی نیز باور دارند کتاب گران نیست و در نسبت با دیگر کالاها به نسبت ارزان نیز است. طرف‌داران «گران بودن کتاب» که اغلب ناشران تجاری هستند، و غلبه نیز با این گروه است، پیشنهادهایی از این دست ارائه می‌کنند: دولت به‌عنوان بانی امر فرهنگ در کشور از طریق ارزان کردن کاغذ، خرید عمده برای کتابخانه‌های عمومی و تقبل توزیع کتاب و بهبود فرایند ممیزی از آن‌ها حمایت کند. (در تحلیل توصیه‌ها دقیق‌تر به این موضوع می‌پردازیم). در مقابل، طرف‌داران «ارزان بودن کتاب» که عموماً ترکیبی

از ناشران فرهنگی یا فعالان فرهنگی هستند خراب بودن وضعیت معیشتی مردم و کمبود کتاب خوب را عنوان می‌کنند. این گروه استدلال می‌کنند که در نسبت با کتاب، معیشت مردم اولویت‌های دیگری را ایجاب می‌کند. همچنین، آن‌هایی که تمایل به خرید کتاب دارند عملاً کمتر کتابی در بازار پیدا می‌کنند که بیزد.

استعاره‌ها: مانند بسیاری از گفتمان‌های خواندن، مهم‌ترین استعاره‌ای که این گفتمان به کار گرفته است استعاره «خواندن به مثابه خوردن» است: خوردن دارو یا غذا. در این استعاره، عمل خواندن به خوردن تشبیه می‌شود و خواندنی‌ها به خوراک، غذا یا دارو. فرایند استدلالی متکی بر این استعاره به این صورت است که میان دو نوع خواندنی تمایز ایجاد می‌شود. خواندنی خوب، مانند غذا/داروی خوب موجب سلامت و نشاط جسم، و موجب سلامت و نشاط ذهن/روح است. خواندنی بد که مانند غذا/داروی ناسالم که موجب آسیب دیدن جسم است، به ذهن/روح افراد آسیب می‌زند. همچنین جامعه یا فرد ناسالم کسی است که یا چیزی نمی‌خواند یا کم می‌خواند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این استعاره قرار دادن یک شخص در مقام تشخیص غذا/داروی سالم از ناسالم است، به این ترتیب، فردی باید باشد که همیشه مراقب خوراک خواننده است و از خوراک او اصطلاحاً دروازه‌بانی کند. این استعاره یکی از ابزارهای تنظیم قدرت است که با مشخص کردن جایگاهی که به دروازه‌بان می‌دهد عملاً صدور مجوز خواندن/نخواندن را به او می‌سپارد. برحسب اینکه گوینده یا نویسنده به چه گروهی تعلق دارد، تلاش می‌کند نقش دروازه‌بانی را به گروه خودی تخصیص دهد و به این ترتیب بتواند خواننده را در موقعیت‌های مختلف مخاطب قرار دهد و امرونهی کند. غیر از این استعاره‌های «موجود جانمند یا حیات بخش»، «گوهر، ثروت و دارایی»، «نهضت»، «دریا»، و «آتش» نیز کاربردهای محدودتری در این گفتمان دارند.

نظام‌های طبقه‌بندی: مهم‌ترین نظام طبقه‌بندی خواندنی‌ها در این گفتمان کتاب خوب/کتاب بد است. در یک معنا، کتاب خوب هر کتابی است که قابلیت رسیدن به تیراژ بالا را داشته باشد مشروط به اینکه «سودمند» باشد. معنای سودمندی همیشه ناگفته باقی می‌ماند. اغلب آثار سودمند ناداستان هستند و برای آن انواع مفصلی ارائه می‌شود. عمده آثار «غیرسودمند» در نظام طبقه‌بندی این گفتمان، رمان و شعر معاصر است. وضعیت رمان و شعر

معاصر دوگانه است. از یک سو، عمدتاً این آثار خواننده بسیاری دارند و در نتیجه از نظر تیراژ برای ناشران سودمند هستند، اما همین آثار به واسطهٔ برجسب‌های متعددی که دریافت می‌کنند توسط نظام‌های ممیزی و ادبیات فاخر طرد می‌شوند و به‌نوعی سود ناشر را در معرض تهدید قرار می‌دهند و در زمرهٔ «غیر سودمند»ها قرار می‌گیرند. تقریباً از هر آنچه در حیطهٔ ادبیات قرار می‌گیرد، فقط ادبیات کهن است که مورد تأیید همهٔ بازیگران این گفتمان است و در زمرهٔ آثار سودمند قرار می‌گیرد. اگرچه این گفتمان تلاش می‌کند همهٔ مردم را در قالب اصطلاحاتی نظیر «جماعت کتاب‌خوان»، «هر ایرانی»، «ملت» یا «تودهٔ مردم» در زمرهٔ خوانندگان به حساب آورد، اما در نظام طبقه‌بندی‌اش مهم‌ترین شاخصهٔ خواننده، مشتری بودن او است. سرمایه‌گذاری این گفتمان نیز روی مشتریان است. به همین دلیل، هر آن کس که سواد و امکان خرید کتاب دارد، تلویحاً خواننده یا «کسانی که باید کتاب بخوانند» نامیده می‌شود و غیر آن در نظام طبقه‌بندی حذف می‌شود. به این ترتیب، مهم‌ترین خوانندگان دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و کارمندان هستند و در جایگاه خواننده مخاطب این گفتمان قرار می‌گیرند.

بازنمایی خواننده: در این گفتمان، خواننده فردی «جوان»، «تحصیل کرده» و «اهل مطالعه» بازنمایی می‌شود. مفهوم جوان در این گفتمان به‌مرور زمان با مفهوم کودک نیز عجین می‌شود. این نگاه به خواننده همراه با «کالایی شدن» و «سرمایه‌ای شدن» دوران کودکی و جوانی است. در این گفتمان، «نسل جوان که بار گران مسئولیت‌های فرهنگی و علمی را به دوش دارد» (سند ۱۳۵۰، ۸۳۰) «وظیفه دارد» مطالعه کند و مطالعه را جایگزین تفریحات ناسالمی کند که در جامعه به‌وفور وجود دارد و جوانان بدان مشغول هستند.

بازنمایی عمل خواندن: در این گفتمان، عمل خواندن در قالب نوعی «وظیفه» یا «حق» تلقی می‌شود که برای «کسب دانش و رشد فکری» ضروری است. از آن‌رو، عمل خواندن بهترین عمل برای «گذران وقت» به‌ویژه اوقات فراغت است. چون نحوهٔ گذران اوقات فراغت نوعی عملی اختیاری است، «ذوقی بودن عمل خواندن» نیز تا حدودی به رسمیت شناخته می‌شود اما لزوماً «خواندن برای سرگرمی» ارزش تلقی نمی‌شود زیرا که این عمل «جدی» است و نباید به‌عنوان وقت تلف کردن تلقی شود و همچنین به این دلیل که تلقی وقت‌گذرانی، خواندن را به عملی «بیهوده» تبدیل می‌کند.

بازنمایی کتاب: تمایز کتاب خوب و کتاب بد یکی از بازنمایی‌های مهم این گفتمان است. این بازنمایی با مفهوم «کالا» بودن کتاب درمی آمیزد و منطق کتاب خوب/بد را تکمیل می‌کند. کتاب خوب در این گفتمان، کالایی است که خریده می‌شود. از این رو، کتاب‌های کلاسیک، متون ارزشمند قدیمی، منابع تاریخی و رمان در این گفتمان خوب محسوب می‌شوند. مرز این خوب بودن تا آنجاست که نظام ممیزی مانع انتشار و در نتیجه مانع سودهی نشود. این منطق در تشویق و کنترل ناشران از سوی نهاد ممیزی نیز به کار گرفته می‌شود و هم به صورت ایجابی، یعنی خرید آثار خوب (که موجب سود ناشر است) و هم به صورت سلبی یعنی در صف نگه داشتن آثار بد (که موجب ضرر ناشر است) بازنمایی می‌شود. به این ترتیب، توافقی میان ناشر و نظام سانسور بر سر کتاب خوب و کتاب بد شکل می‌گیرد. همچنین، برای پرهیز از خطرات ناشی از افت فروش، کتاب به‌عنوان «وسیله کسب آگاهی» مهم‌ترین ویژگی آن می‌شود. آگاهی مدنظر در این بازنمایی نوعی دانش بی‌خطر است که از یک سو سود ناشر را تضمین می‌کند و از یک سو منافع کلی قدرت را که به آگاهی تاریخی بها می‌دهد تضمین می‌کند. کتاب در قالب «وسیله سرگرمی» نیز به صورت میانه پذیرفته می‌شود. این وسیله سرگرمی از یک سو سهمی را از بازار سرگرمی برای ناشر ایجاد می‌کند که برای او سودآور است و از سوی دیگر امکان ترویج متون بی‌خطر را در اختیار نظام قدرت قرار می‌دهد و عمل انتقال نوع خاصی از فرهنگ را نیز مقدور می‌کند.

نهادها: در این گفتمان، چندین نهاد در کنار یکدیگر عمل می‌کنند تا مفاهیم یادشده را کنترل کرده و به حداکثر قدرت برسند. این نهادها عبارت‌اند از: ناشران و اتحادیه ناشران؛ اداره کل نگارش، نهاد ممیزی؛ کتابخانه عمومی؛ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک؛ برنامه‌های ترویج کتاب نظیر سال بین‌المللی کتاب و نمایشگاه کتاب. شیوه عمل این نهادها به این صورت است که ناشران و اتحادیه ناشران آغازکننده گفت‌وگو درباره بحران مطالعه در ایران بودند؛ اداره کل نگارش مسئول تعیین کتاب‌های بد و سانسور آن‌ها بود (اقدامات سلبی) و کتابخانه‌های عمومی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و شورای کتاب کودک مسئول خرید کتاب‌های خوب و ترویج آن از طریق برنامه‌های ترویج بودند (ممیزی ایجابی).

مکانیسم‌های کنترلی: در این گفتمان، یازده سازوکار نظارتی برای تثبیت گفتمان به کار گرفته می‌شد. این گفتمان با «مقایسه» ایران با سایر کشورها، یا گروه‌های اجتماعی مختلف از طریق «ایجاد حس تحقیر و سرخوردگی» و ابراز «تأسف از وضع موجود» گروه‌های مختلف را مخاطب قرار می‌داد و وضع مطلوبی را ترسیم می‌کرد. وضع مطلوب، ایرانی است که در آن هر باسواد باید کتاب بخرد و بخواند (تخصیص وظیفه به دیگری). به این ترتیب، نخریدن کتاب یا نخواندن کتاب فرد را به دلیل عدم انجام وظیفه در موضعی از طردشدگی قرار می‌داد. از طرفی، برای کنترل عمل خریدن و خواندن (برای اینکه هر کتابی خریده و خوانده نشود) نظامی متشکل از «برگزیدگان و نخبگان» شکل گرفت که مسئول تعیین کتاب خوب/بد بودند. به‌هنگام تشویق نیز با «استناد به گذشته مبهم اما افتخارآمیز» ایرانیان که کشوری با فرهنگ و اهل مطالعه را ترسیم می‌کند و نیز «توصیف رمانتیک» عمل خواندن و کتاب‌خوانی، تلاش می‌شود با تحریک احساسات، فرد در درون گفتمان مقیم شود. سخن‌گویان این گفتمان، اغلب خود را در «موضع پرسشگر برحق» قرار داده و مردم را با نوعی سرزنش مخاطب قرار می‌دهند. از طرفی، برای کنترل بازیگرانی که از قدرت نسبی برخوردارند مکانیسم‌های سلبی و ایجابی هم‌زمان کار می‌کنند: نهادهای ممیزی ایجابی (کتابخانه‌ها) با وعده خرید تعداد کافی از هر کتاب خوب برای کتابخانه‌ها امکان تضمین سود ناشران را فراهم می‌کردند و به این ترتیب با کاهش بار مسئولیت اقدام سلبی سانسور (در اداره کل نگارش)، به صورت خودکار بازار کتاب را به سمت منبع مفید و موردنظر نظام قدرت تشویق می‌کردند.

برای تکمیل مکانیسم‌های کنترلی، فهرستی از پیشنهادها نیز در گفتمان قرار می‌گیرد که پشتیبان وضع ایدئال یا مطلوب این گفتمان است. این گفتمان برای حل بحران مطالعه این پیشنهادها را ارائه می‌کند:

- حمایت از نشر؛
- دسترس‌پذیر کردن کتاب و توسعه کتابخانه‌ها؛
- عادت دادن مردم به خواندن کتاب؛
- ترویج خواندن و معرفی کتاب؛
- انتشار کتاب متناسب و خوب؛
- رفع موانع اقتصادی.

این گفتمان در تکمیل استدلال‌هایی در تبیین بحران مطالعه در ایران، عواملی را که منجر به این وضعیت شده‌اند برمی‌شمرد. عمده عوامل مرتبط با ناشران مباحث اقتصادی و مالی است که هدف آن جلب حمایت مالی است. برعکس در سمت خوانندگان، عمده عوامل نشان‌دهنده نوعی کوتاهی از سوی مردم است.

نتیجه‌گیری: پرتکیس‌های گفتمانی و عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن

پرتکیس‌های گفتمانی: در گفتمان بحران مطالعه، خواندن عملی برای کسب علم معطوف به عمل تلقی می‌شود. این تلقی ناشی از آن است که خطر کمتری برای مروجان این گفتمان دارد. از یک سو، علم معطوف به عمل به‌عنوان یک ارزش اجتماعی پذیرفته شده است و بنیان‌هایی نظیر دارالفنون و مدرسه از آن حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، علم معطوف به عمل کمتر در معرض تیغ ممیزی نهادهای نظارتی است. ممیزی و سانسور یکی از عوامل کاهش سود ناشران به‌عنوان سخن‌گویان اصلی این گفتمان است. هرچا در گفتمان بحران مطالعه از ایده علم معطوف به عمل عدول می‌شود، حوزه تاریخ و ادبیات کلاسیک به‌عنوان جایگزین پیشنهاد می‌شود. این امر ناشی از توجه عمومی دولت به موضوع دانش تاریخی است، دانشی که از رهگذر آن پهلوی خود را در قامت امتداددهنده پادشاهی ۲۵۰۰ ساله جا می‌زند. تاریخ به‌ویژه تاریخ پیش از اسلام ترویج و حمایت می‌شود. توجه به ادبیات کلاسیک نیز با همین رویکرد پذیرفته شده است. یک ایرانی باید علاوه بر قدمت تاریخی به علاقه به فرهنگش نیز بنازد و فخر کند و دریابد که «هنر نزد ایرانیان است و بس». به این ترتیب، در این گفتمان کتاب در معنای محدود خود یعنی متن علمی، تاریخی و ادبی پذیرفته و ترویج می‌شود. به این دلیل است که هم‌سو با ناشران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین تولیدکنندگان این نوع از متون به‌ویژه متون کهن بازآفرینی شده تبدیل می‌شود. ادبیات معاصر تا آنجا که با ژانرهای مطلوب این گفتمان در تعارض قرار نگیرد مشکلی ندارد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کنار شورای کتاب کودک (مروجان کتاب‌های خوب) به‌عنوان دو بازوی مهم تثبیت این گفتمان در کنار اداره کتاب وزارت فرهنگ (سد کتاب‌های بد) عمل می‌کنند و معیارهای ارزش‌گذاری را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که خواندنی خوب و بد هم‌راستا با موضوعات مطلوب این گفتمان سازمان‌دهی شود. قوانینی

نظیر خرید کتاب برای کتابخانه‌های عمومی نیز تحکیم‌کننده این رابطه هستند. هرآنچه با مفهوم هسته‌ای کتاب خوب در این گفتمان در تعارض باشد در قالب «نظر نخبگانی» و «معیارهای علمی» طرد می‌شود. از قانون خرید کتاب‌های خوب برای کتابخانه‌های عمومی به دلیل جذابیت اقتصادی برای بخش غالب سخن‌گویان گفتمان (یعنی ناشران) استقبال می‌شود و حتی در طولانی‌مدت به بخشی از مطالبات ناشران تبدیل می‌شود.

سامانه قدرتی که در این گفتمان شکل گرفته است ترکیبی از نهاد ممیزی (سازوکار سلبی) و نهادهای مروج (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ شورای کتاب کودک و کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان سازوکارهای ایجابی)، هم‌داستان با ناشران، موضوع گرانی کاغذ و کتاب را پیش می‌کشند و از طریق «تخصیص یارانه» به کاغذ مورد استفاده برای تولید کتاب خوب، عملاً حاشیه سود ناشران را بالا می‌برند و آن‌ها را تشویق می‌کنند که بخشی از حامیان و سخن‌گویان این گفتمان شوند. ناشرانی که این امر را می‌پذیرند می‌توانند با هزینه کم کتاب چاپ کنند و بازار مطمئنی برای فروش آن داشته باشند. در غیر این صورت، ناچار به تهیه کاغذ گران و رفتن به دنبال خریدار شده و از خریدهای عمده وزارتی کنار گذاشته می‌شوند. جالب اینکه جریان متعارض با این گفتمان از طریق مخالف‌خوانی و توسعه بازار دست‌فروشان کنار خیابانی موفق می‌شوند بازار کتاب خود را دست‌وپا کنند. با این توصیف، مکانیسم‌های اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای این گفتمان عمل می‌کنند. بی‌جهت نیست که خواننده در این گفتمان به‌صورت «خریدار» بازنمایی می‌شود و عمل خریدن معادلی برای خواندن به کار می‌رود.

خواننده موردعلاقه این گفتمان کودک-دانش‌آموز است. خواننده کودک است، زیرا که قرار است سرمایه‌ای برای آینده باشد. بزرگ‌سالان کسانی هستند که تغییر آن‌ها بسیار دشوار است و ارزش چندانی برای سرمایه‌گذاری برای آینده بر ساخته قدرت مرکزی ندارند. نمی‌توان به آن‌ها آموخت مدرن باشند، چراکه در سنت غرق شده‌اند و اراده‌ای برای کار جدی ندارند. کودکان به راحتی تعلیم می‌بینند و «عادت» پیدا می‌کنند.

کودک‌پنداری خواننده صورت دیگری نیز در این گفتمان دارد. اساساً خواننده بزرگ‌سال هم کودکی بیش نیست. او نمی‌تواند کتاب خوب را از بد تشخیص دهد. بنابراین، گروهی «برگزیده» در قالب نهادهای مختلف از یک سو سدی در مقابل کتاب‌های بد می‌سازند و از سوی دیگر فهرستی از کتاب‌های خوب را در اختیار او قرار می‌دهند و در کنار آن راه‌وچاه

خواندن را به او می‌آموزند. از طرفی دیگر، خواننده دانش آموز است، چرا که خواندنی مشروع این گفتمان دارای محتوای علمی معطوف به عمل است و از فرایند این دانش‌آموزی مهندسان آینده کشور بیرون خواهند آمد.

خواندنی موردعلاقه گفتمان «کتاب» است. مشروطه با روزنامه و نهادهای متناظر آن یعنی قرائت‌خانه‌ها^۱ عجین است. روزنامه‌خوانی نوعی کنش روشن‌فکرانه و اغلب اعتراضی است و دائماً مشروعیت قدرت مرکزی را در معرض پرسش قرار می‌دهد. چنین عمل و رسانه‌ای از طرف قدرت تمامیت‌خواه مقبول نیست. از طرفی، مکانیسم کنترلی محتوای آن بسیار دشوار است: هم روزنامه‌نگاری خارج از عرصه دولتی قوام یافته است و هم حیات روزنامه‌چندان وابسته به اقتصاد دولتی نیست و خریداران به راحتی و در ازای مبلغی کم امکان دسترسی به آن را دارند. در عوض، کتاب قابلیت کنترل بالایی دارد، و قیمت آن باعث می‌شود که بازی اقتصادی پیرامون آن پرریسک باشد. این ریسک بالا تولیدکننده را به کاهش ریسک از طریق کاهش هزینه‌ها یا افزایش فروش (مطلوب قدرت مرکزی) متمایل می‌کند. بنابراین، انتخاب هوشمندانه این است: سکوت درباره روزنامه‌خوانی و اغراق درباره ارزش‌های کتاب. اگر چند دهه قبل روزنامه‌خوانی عمل متمایزکننده و ایجادکننده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شد، همه آن ارزش‌ها به کتاب تزریق می‌شود و جملاتی درباره ارزش‌های کتاب‌خوانی تبلیغ شد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان: نوسازی ساختارهای نظامی، اداری و

آموزشی در زمان پهلوی دوم به بروز وضعیتی منجر شد که می‌توان ریشه گفتمان بحران مطالعه را در آن جست و یافت. تحولات جمعیتی، گسترش شهرنشینی، گسترش نیروی کار در حوزه صنعت و خدمات، افزایش میزان باسوادی، به هم خوردن قشربندی اجتماعی سنتی و شکل‌گیری طبقه متوسط جدید، افزایش تولید ناخالص ملی و ... از جمله عواملی هستند که به صورت سلسه‌وار با تقویت یکدیگر منجر به شکل‌گیری تقاضای بالایی برای خواندن شدند.

۱. بعد از مشروطه، قرائت‌خانه به مکان‌هایی گفته می‌شد که هدف آن‌ها ارائه فضایی برای خواندن روزنامه بود. این فضاها عمدتاً توسط روزنامه‌ها و مصلحان اجتماعی و روشن‌فکران ایجاد می‌شدند و باور بر این بود که روزنامه‌خوانی مهم و ضروری است. بعدها این معنا قلب شد و قرائت‌خانه در معنای محل مطالعه هر نوع خواندنی به ویژه کتاب به کار رفت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲).

توسعه صنعتی در کشور و تأسیس کارخانه‌ها در حاشیه شهرهای بزرگ، تقاضا برای شهرنشینی را افزایش داد و منجر شد جمعیت شهرنشین که در سال ۱۳۳۵ یک‌سوم (معادل ۳۱ درصد) جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند به نیمی از جمعیت ایران (۴۸ درصد) تبدیل شوند. اغلب مهاجران به شهرها روستاییانی بودند که در بخش صنعت به‌عنوان کارگر مشغول به کار شده و بخش باسوادتر شهری در نظام بروکراسی و خدمات مشغول شدند. به‌علاوه، بخش قابل توجهی از افراد باسواد به‌عنوان نیروی نظامی در ارتش در حال بازسازی مشغول شد. این تحولات زمینه شکل‌گیری قشر جدیدی از طبقه متوسط بود که ضمن پیگیری سواد به‌عنوان عامل موفقیت (امکان ورود به مشاغل با حقوق ثابت)، سبک جدیدی از زندگی شهری را رقم زدند. به‌دلیل سطح رفاهی که این طبقه به آن دست یافت، زمانی از ایشان نیز در قالب اوقات فراغت ایجاد شد. ظهور اوقات فراغت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های این سبک از زندگی تقاضا برای کالای فرهنگی نظیر سینما، کتاب و ... را افزایش داد. در زمینه کتاب، مهم‌ترین مطالبه این طبقه متون ادبی بود که اغلب در قالب ترجمه عرضه می‌شد. از این رو، چاپ رمان رونق گرفت. با این حال، تولید متون ادبی در اختیار قشری قرار داشت که چندان علاقه‌ای به آرمان‌های توسعه دولت پهلوی نداشت. بنابراین، قدرت مرکزی باید چاره‌ای برای تهدید این نوع از ادبیات می‌اندیشید.

اکثر متون ادبی تولیدشده یا در قالب موصوف به ادبیات عامه‌پسند می‌گنجید یا متون آگاهی‌بخشی که بخشی از مردم به‌ویژه کارگران را مخاطب قرار می‌داد و تغییر جدی در نظام را مطالبه می‌کرد. پاورقی‌ها که بخشی از بدنه اصلی ادبیات عامه‌پسند را شکل می‌دادند در ابتدا ترویج می‌شدند اما دو مشکل درباره آن‌ها وجود داشت. نخست اینکه، این پاورقی‌ها اغلب در نشریات غیرکتابی منتشر می‌شدند که در تعارض با منافع ناشران کتاب به‌عنوان سخن‌گویان اصلی گفتمان بحران مطالعه بودند. دوم اینکه، پهلوی مشکل‌چندانی با متون ادبی نوع اول نداشت اما در گفتمان بحران مطالعه باید کنار گذاشته می‌شد تا اتهام ساده‌اندیشی، بی‌سلیقه‌گی و سطحی بودن به این گفتمان وارد نباشد. از سوی دیگر، کنار گذاشتن این نوع ادبیات که محتوای بسیاری از آن‌ها عاشقانه بود، طرف‌داری قشرهای سنتی‌تر جامعه را نیز با خود همراه می‌کرد. بهترین جایگزین برای این نوع متون، ادبیات کلاسیک بود که بازنویسی و بازنشر می‌شد.

دربارهٔ متون آگاهی‌بخش، کار پیچیده‌تر و مشکل‌تر بود. نخست اینکه، باید آگاهی اجتماعی با نوع بهتری از آگاهی جایگزین می‌شد. علم معطوف به عمل این وظیفه را بر عهده گرفت. ادبیات و رمان که پایه در خیال داشتند، طرد می‌شدند چراکه نمی‌توان با خیال جامعه را ساخت. در عوض، (طبق این دیدگاه) چیز ارزشمندتر همان علم است. آموختن علم می‌تواند به نوسازی جامعه کمک کند. افرادی که در کارخانه‌ها، ارتش، آموزش و پرورش و ادارات کار می‌کردند، بیش از خیال، به علمی نیاز داشتند که به آن‌ها کمک کند کار خود را بهتر انجام دهند. این نوع نگاه از زمان دارالفنون (توجه به‌ویژه به علوم مهندسی) تا حال ادامه داشته است. اساساً رمان خوانی عملی تحقیرآمیز شمرده می‌شد. تحصیل در ادبیات و علوم انسانی نیز چندان سرمایهٔ اجتماعی با خود نداشت. مهندسی و مدیریت دانش‌هایی بودند که کشور به آن‌ها نیاز داشت. بنابراین، خوانندگان علم معطوف به عمل جایگاه ویژه و قابل دفاعی در نسبت به تخیلی‌خوان‌ها داشتند.

منابع

- احمدی، اصغر (۱۳۹۶). ادبیات ستیزنده: تبیین جامعه‌شناختی تولید و محتوای گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی. تهران: آگاه.
- شقایق، مهدی؛ و فدائی، غلامرضا (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان انتقادی و کاربرد آن در پژوهش‌های علم اطلاع‌رسانی. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴۷(۱)، ۲۶-۵.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان* (نیکو سرخوش و افشین جهانپنده، مترجمان). تهران: نی.
- قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰). کتاب. تهران: مرکز.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۲). *قرائت‌خانه‌های ایران: از آغاز تا سال ۱۳۱۱ شمسی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۹۵). *اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات ۱۲۸۵-۱۳۰۴ شمسی*. تهران: خانه کتاب.
- مرکز خدمات کتابداری (۱۳۶۱). *مقاله‌نامهٔ کتاب، کتابخانه و کتابداری: شامل مشخصات مقاله‌هایی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۸*. تهران.
- میلز، سارا (۱۳۸۸). *گفتمان* (فتاح محمدی، مترجم). تهران: هزارهٔ سوم.
- یورگنسن، م.، و فیلیپس، ل. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان* (هادی جلیلی، مترجم). تهران: نی.

References

- Ahmadi, A (2017). *Militant literature: A sociological expalnation of the production and content of discourse of political fictions during 1340-1350s (SH)*. Tehran. Agah. (in Persian)
- Chartier, R. (1994). *The order of books: readers, authors, and libraries in Europe between the fourteenth and eighteenth centuries*. Stanford: Stanford University Press.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse: Textual analysis for social research*. London, NewYork: Routledge.
- Flint, K. (2002). Reading practices. In D. Finkelstein & A. McCleery (Eds.), *The book history reader* (pp. 316-326.). London: routledge.
- Foucault, M. (1999). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison* (N. Sarkhosh & A. Jahandideh, Trans.). Tehran: Ney (Original work published 1975). (in Persian)
- Fuller, D. (2008). Reading as social practice: The beyond the book research project. *Journal of popular narrative media*, 1(2), 211-217.
- Gee, J. P. (2016). Discourse and sociocultural studies in reading. In *Handbook of Reading Research* (pp. 195-208). Taylor and Francis.
- Ghasemi, S. F. (2001). *The book*. Tehran: Markaz. (in Persian)
- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2010). *Discourse analysis as theory and method* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney (Original work published 1999). (in Persian)
- Kiili, C. (2012). *Online reading as an individual and social practice*. Jyväskylä: University of Jyväskylä.
- Kohestaninejad, M. (2016). *Library and Book News and Announcements in the press 1906-1925*. Tehran: Khane-ye Ketab. (in Persian)
- Majzub, R., & Abu, S. (2010). The practice of reading books and reading to children in the context of peer-groups in the preschool classroom. *Procedia-social and behavioral sciences*, 9, 753-757.
- Millis, K. K. (1995). Encoding discourse perspective during the reading of a literary text. *Poetics*, 23(3), 235-253.
- Mills, S. (2009). *Discourse* (F. Mohammadi, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Hezare-ye Sevvom (Original work published 1997). (in Persian)
- Peskin, J. (1998). Constructing meaning when reading poetry: An expert-novice study. *Cognition and Instruction*, 16(3), 235-263.
- Phillips, G., & McNaughton, S. (1990). The practice of storybook reading to preschool children in mainstream New Zealand families. *Reading Research Quarterly*, 25(3), 196-212.
- Richardson, A. (1994). *Literature, education, and romanticism: Reading as social practice, 1780-1832*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shaghagi, M., & Fadaie, G. (2013). Application of critical discourse analysis in lis researches: A conceptual analysis. *Journal of Academic Librarianship and Information Research*, 47(1), 5-26. (in Persian)

- Sicherman, B. (2007). Ideologies and Practices of Reading. D. D. Hal. In Casper, S. E., Groves, J. D., Nissenbaum, S. W., Winship, M., & Nissenbaum, S. W. (Eds.), A history of the book in America 1840-1880: Vol. 3. The Industrial Book, 1840-1880 (pp. 280-302). Chapel Hill: The University of North Carolina Press.
- Sourvinou-Inwood, C. (1989). Assumptions and the creation of meaning: reading Sophocles' Antigone. The Journal of Hellenic Studies, 109, 134-148.
- Taipale, S. (2015). Bodily dimensions of reading and writing practices on paper and digitally. Telematics and Informatics, 32(4), 766-775.
- Tehran Book Processing Center (1982). A list of articles about book, library and librarianship from 1951 to 1979. Tehran. (in Persian)

ضمیمه: فهرست اسناد تحلیل‌شده

- ۱۳۴۲۰۲۰-۰۲ / تشویق مؤلفان و ناشران و تکمیل کتابخانه‌های عمومی (۱۳۴۲) آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) دوره ۳۳، اردیبهشت ۱۳۴۲. شماره ۳. صص. ۵۱-۵۳.
- ۱۳۴۲۰۹۲۷ / بی‌نا (۱۳۴۲) مسئله کتاب. روزنامه اطلاعات. چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۴۲. شماره ۱۱۲۷۱. ص. ۲.
- ۱۳۴۹۰۸۰۶ / بی‌نا (۱۳۴۹) کودکان، بهترین کتاب خوان‌ها. روزنامه اطلاعات. چهارشنبه ۶ آبان ۱۳۴۹. شماره ۱۳۳۳۱. ص. ۱۲.
- ۱۳۴۹۰۹۰۰ / پورقمی، ناصر (۱۳۴۹) کتاب، یک کالای بی‌مصرف. نگین. آذر ۱۳۴۹. شماره ۶۷. صص. ۱۰ تا ۱۱.
- ۱۳۴۹۰۹۰۳ / گیلانی، فریدون؛ و راجی، مجتبی (۱۳۴۹) بحران کتاب در ایران. روزنامه کیهان. سه‌شنبه ۳ آذر ۱۳۴۹. شماره ۸۲۰۶. ص. ۱۴.
- ۱۳۴۹۰۹۰۹ / گیلانی، فریدون؛ و راجی، مجتبی (۱۳۴۹) اینجا عقربه سواد ایستاده است! روزنامه کیهان. دوشنبه ۹ آذر ۱۳۴۹. شماره ۸۲۱۱. ص. ۱۱.
- ۱۳۵۰۰۵۳۰ / یغمایی، سعید (۱۳۵۰) در کتابخانه فقط کتابدار است. روزنامه اطلاعات. ۳۰ مرداد ۱۳۵۰. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۰۰۷۱۲ / اکبرزادگان، کاظم (۱۳۵۰) ساعات کار کتابخانه‌ها افزایش یابد. روزنامه اطلاعات. ۱۲ مهر ۱۳۵۰. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۰۰۸۳۰ / نوشته خوانندگان (۱۳۵۰) جامعه را با کتاب آشتی دهیم. روزنامه اطلاعات. یکشنبه ۳۰ آبان ۱۳۵۰. شماره ۱۳۶۵۲. ص. ۱۰.
- ۱۳۵۰۱۲۰۰ / ایمن (آهی)، لیلی (۱۳۵۰) سال جهانی کتاب و آموزش خواندن آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) اسفند ۱۳۵۰. شماره ۱۲۹. صص. ۳۲۴-۳۲۱.

- ۱۳۵۱۰۵۰۱/ بی‌نا (۱۳۵۱) برای کتاب و کتاب‌خوان باید راه‌حل پیدا کرد. روزنامه اطلاعات. یکشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۱. شماره ۱۳۸۵۵. ص. ۴.
- ۱۳۵۱۰۵۰۵/ بی‌نا (۱۳۵۱) سرمقاله: سال کتاب. روزنامه اطلاعات. پنجشنبه ۵ مرداد ۱۳۵۱. شماره ۱۳۸۵۹. ص. ۶.
- ۱۳۵۱۱۱۰۱/ پهلبد، مهرداد (۱۳۵۱) وزیر فرهنگ و هنر: کتاب به دورترین روستاها راه یافته است. روزنامه اطلاعات. یکشنبه اول بهمن ۱۳۵۱. شماره ۱۴۰۰۷. ص. ۲۵.
- ۱۳۵۲۰۱۰۶/ بی‌نام (۱۳۵۲) کتاب محصول یک سال. روزنامه اطلاعات ۶ فروردین ۱۳۵۲. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۲۰۲۲۶/ شاهین، امیرشاپور (۱۳۵۲) طی ۵۰ سال اخیر در ایران: ۱۳ هزار داستان با تیراژ ۳۷ میلیون چاپ شده. روزنامه اطلاعات ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۲. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۲۰۳۰۶/ میزگرد ناشران و کتاب‌فروشان (۱۳۵۲) ممیزی کتاب ضرورت ندارد. روزنامه اطلاعات. یکشنبه ۶ خرداد ۱۳۵۲. شماره ۱۴۱۰۹. ص. ۱۴.
- ۱۳۵۲۰۸۰۸/ بی‌نا (۱۳۵۲) غرفه‌ای در بازار بی‌رونی کتاب. روزنامه اطلاعات. ۸ آبان ۱۳۵۲. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۲۰۸۱۹/ نفیسی، بیژن (۱۳۵۲) پول‌دارها کمتر کتاب می‌خوانند. روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان ۱۳۵۲. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۲۰۸۲۹/ بی‌نا (۱۳۵۲) سرمقاله. کتاب: متاع بی‌رونی! روزنامه اطلاعات. سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۳۵۲. شماره ۱۴۲۵۹. ص. ۲.
- ۱۳۵۲۰۹۱۵-۰۲/ ایمن، لیلی (۱۳۵۲) بیشتر مدارس فاقد کتابخانه‌اند. روزنامه اطلاعات. پنجشنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۲. شماره ۱۴۲۷۳. ص. ۱۹.
- ۱۳۵۲۱۲۲۸/ بی‌نا (۱۳۵۲) کتاب برای ۳۶۰ روز. روزنامه اطلاعات. سه‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۲. شماره ۱۴۳۵۹. ص. ۱۰.
- ۱۳۵۳۰۸۳۰/ بی‌نا (۱۳۵۳) عکس روز: هفته بی‌رونی کتاب. روزنامه اطلاعات. پنجشنبه ۳۰ آبان ۱۳۵۳. شماره ۱۴۵۶۵. ص. ۹.
- ۱۳۵۴۰۳۰۱/ شهباز، حسن (۱۳۵۴) کتاب جامعه‌ساز فردا. روزنامه اطلاعات. پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۵۴. شماره ۱۴۷۱۳. ص. ۲۵.
- ۱۳۵۴۰۵۰۶/ باباشاهی، ناصر (۱۳۵۴) یک دریا کتاب و یک دنیا قرض: گفتگو با محمود کاشیچی - انتشارات گوتنبرگ. روزنامه اطلاعات. ۶ مرداد ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۰۵۱۹/ جوهری، شاهین (۱۳۵۴) قیمت کتاب‌ها، برای خوانندگان شهرستانی خیلی زیاد است. روزنامه اطلاعات ۱۹ مرداد ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)

- ۱۳۵۴۰۶۱۷ / باباشاهی، ناصر (۱۳۵۴) نشریات هم به کتاب بی‌مهرند گفتگو با جواد اقبال: رئیس اتحادیه ناشران. روزنامه اطلاعات ۱۷ شهریور ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۰۶۳۰ / بی‌نا (۱۳۵۴) در رکود کتاب: همه گناه را به گردن یکدیگر می‌اندازند. روزنامه اطلاعات یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۵۴. شماره ۱۴۸۱۵. ص. ۲۴.
- ۱۳۵۴۰۷۰۷ / نوعی، اسدالله (۱۳۵۴) چرا کتاب‌خوان نداریم ولی سینما رو داریم. روزنامه اطلاعات ۷ مهر ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۰۸۱۸ / بی‌نا (۱۳۵۴) طبقه باسواد باید کتاب خواندن را فریضه خود بداند. روزنامه اطلاعات ۱۸ آبان ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۰۸۱۹ / مجابی، جواد (۱۳۵۴) الحمدي از سر اخلاص بر کتاب. روزنامه اطلاعات. دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۴. شماره ۱۴۸۵۶. ص. ۱۹.
- ۱۳۵۴۰۸۲۴ / باباشاهی، ناصر (۱۳۵۴) آموزش صحیح و رشد فرهنگی محتاج کتاب است. روزنامه اطلاعات ۲۴ آبان ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۱۰۱۵ / بی‌نا (۱۳۵۴) چرا استادان و دانشجویان کتاب نمی‌خوانند؟ روزنامه اطلاعات ۱۵ دی ۱۳۵۴. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۴۱۲۱۶ / هویدا، امیرعباس (۱۳۵۴) بسیج عمومی برای کتاب‌خوانی لازم است. روزنامه اطلاعات. سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۴. شماره ۱۴۹۵۲. ص. ۳.
- ۱۳۵۵۰۱۱۸ / نیازی، منوچهر (۱۳۵۵) در شهر ما، کتاب خیلی گران است. روزنامه اطلاعات ۱۸ فروردین ۱۳۵۵. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۵۰۲۰۱ / ایزدی، یوسف (۱۳۵۵) چرا تحصیل کرده‌ها از کتاب‌گریزانند؟ روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۲۵۳۵. شماره ۱۴۹۸۹. ص. ۸.
- ۱۳۵۵۰۲۲۲ / بيدآباد، بیژن (۱۳۵۵) با افزایش قیمت‌ها در هر زمینه مبارزه می‌شود جز قیمت کتاب. روزنامه اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۵. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۵۰۵۱۴ / مجابی، جواد (۱۳۵۵) ضرورت کتاب و فایده گوجه‌فرونگی. روزنامه اطلاعات. پنجشنبه ۱۴ مرداد ۲۵۳۵. شماره ۱۵۰۷۹. ص. ۲۵.
- ۱۳۵۵۰۷۱۵ / جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۵۵) چرا در ایران مردم خیلی کم کتاب و نوشته می‌خوانند؟ روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۱۵ مهر ۲۵۳۵. شماره ۱۵۱۳۰. ص. ۱۰. روزنامه اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۵. (بریده روزنامه)
- ۱۳۵۵۰۸۱۸ / مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۶۰، سه‌شنبه ۱۸ آبان ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵) خورشیدی) ص. ۶۱.
- ۱۳۵۵۱۲۰۰ / یغمائی، اقبال (۱۳۵۵) بیست ثانیه مطالعه. یغما. اسفند ۱۳۵۵. شماره ۳۴۲. ص. ۷۵۳.

۱۳۵۵۱۲۰۹/ بی‌نا (۱۳۵۵) مشروب فروشی کتاب‌فروشی شده! روزنامه‌اطلاعات ۹ اسفند ۲۵۳۵. ص. ۵ (بریده روزنامه)

۱۳۵۵۱۲۲۶/ بیانی، اسمعیل (۱۳۵۵) چرا در ایران کتاب‌خوان نیست؟ روزنامه‌اطلاعات. پنجشنبه ۲۶ اسفند ۲۵۳۵. شماره ۱۵۲۶۴. ص. ۲۵.

۱۳۵۵۱۲۲۸/ بی‌نام (۱۳۵۵) کتاب‌های کمتری منتشر شد! روزنامه‌اطلاعات ۲۸ اسفند ۲۵۳۵. (بریده روزنامه)
۱۳۵۶۰۸۲۴/ حاتمی، محمدحسین (۱۳۵۶) کتاب، متاعی که خریدار ندارد. روزنامه‌اطلاعات. سه‌شنبه ۲۴ آبان ۲۵۳۶. شماره ۱۵۴۶۴. ص. ۶.

۱۳۵۶۰۸۲۹/ کسمایی، علی‌اکبر (۱۳۵۶) دفاع از کتاب. روزنامه‌اطلاعات. یکشنبه ۲۹ آبان ۲۵۳۶. شماره ۱۵۴۶۸. ص. ۶.

۱۳۵۶۰۹۰۵/ ساوجی، مریم (۱۳۵۶) خانم‌ها و «هفته کتاب». روزنامه‌اطلاعات. شنبه ۵ آذر ۲۵۳۶. شماره ۱۵۴۷۲. ص. ۲۰.

۱۳۵۶۰۹۱۲/ کریمی، مهرانگیز (۱۳۵۶). ملاحظاتی در باب برگزاری هفته کتاب. شنبه ۱۲ آذر ۲۵۳۶. شماره ۱۴۴۷۷. ص. ۷.

